

گسترش شهرنشینی و صنعتی شدن شهرها اگر چه در بسیاری موارد به عنوان نمادهای توسعه یافتگی مطرح می‌شود، لیکن در دل این فرایند ماهواره‌شاهد پیدایش پدیده‌هایی هستیم که ضد توسعه و مانعی در جهت نیل به حیات سالم شهری هستند. حاشیه‌نشینی که مولود صنعتی شدن شهرها و به حاشیه رانده شدن روستاها و گسترش روزافزون مهاجرت افراد روستایی و عشایر به شهر است، نوریسیدگان مهاجر را در جایگاه‌های پایینی در بافت اجتماعی و مناطق مسکونی و بهره‌مندی محدود از امکانات بهداشتی قرار داده و به سمت بی‌هویتی و احساس محرومیت شدید سوق می‌دهد. در چنین فضایی که فقر و بیکاری، سطح پایین سواد و تنوع نامتجانس قومی، ارزشهای اجتماعی را به شدت کم‌رنگ ساخته، انسجام اجتماعی، تلاشی و مشارکت مدنی بسیار ناچیز می‌شود و افراد به شدت مستعد روی آوردن به انحرافات اجتماعی می‌شوند.

در این پژوهش بر آنیم تا با متمرکز کردن مطالعه‌ی خود بر روی «محله‌ی عرب‌های ملک‌شهر اصفهان» اساسی‌ترین مسائل اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین را بررسی کنیم و به این پرسش‌ها پاسخ گوئیم: علل پدید آمدن انحرافات اجتماعی چیست؟ چه نسبتی بین حاشیه‌نشینی و بروز رفتار انحرافی وجود دارد؟ چگونه می‌توان مشکلات اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین را کاهش داد؟

و...

واژه‌های کلیدی: مشکلات اجتماعی، انسجام اجتماعی، وفاق اجتماعی، ارزش اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، کنترل رسمی، کنترل غیررسمی، حاشیه‌نشینی.

بررسی مسائل اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین

(مطالعه‌ی موردی محله‌ی عرب‌های ملک‌شهر اصفهان، در سال ۱۳۸۲)

دکتر رسول ربانی

کامران ربیعی

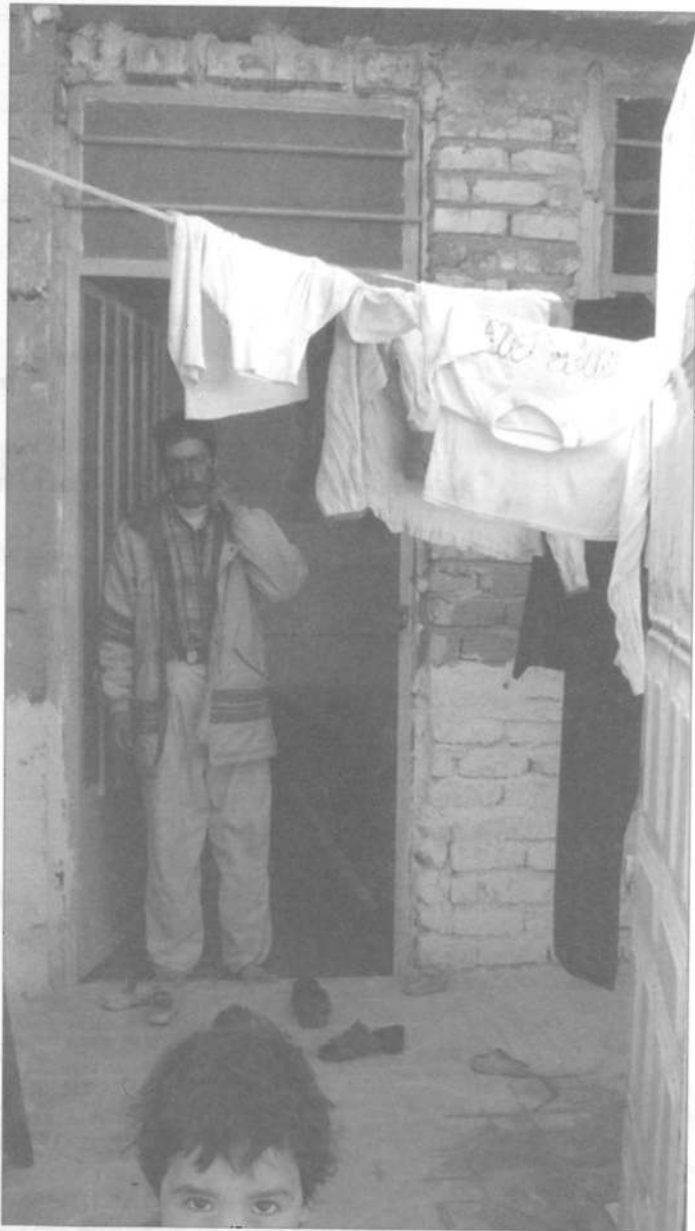


از زمانی که پیشگامان جامعه‌شناسی مانند سن‌سیمون، کنت و دورکیم سعی در بنیانگذاری جامعه‌شناسی داشتند، دغدغه‌ی اصلی جامعه‌شناسان، شناخت علمی مسائل و مشکلات اجتماعی و تلاش برای ارائه‌ی راهکارهایی به‌منظور کاهش این مشکلات و ایجاد نظم و ساماندهی به جامعه بوده است.

با تسریع فرایند صنعتی شدن جوامع غربی و گسترش شهرنشینی و تبدیل شدن شهر به محل انباشت و تمرکز سرمایه و صنعت و نیاز آن به

نیروی ارزان نیمه‌ماهر و غیرماهر، شهرپذیری خیل‌عظیم روستاییان بیکار شد. به دنبال ماشینی شدن کشاورزی و نیاز کمتر به نیروی انسانی، افزایش میزان جمعیت روستایی ناشی از بهبود وضع بهداشت، کمبود زمین کشاورزی برای این جمعیت و مقرون به صرفه نبودن کار بر روی زمین‌های سابق و نیز افزایش سطح نابرابری شهر و روستا و بالا رفتن سطح انتظارات و توقعات برای داشتن زندگی بهتر، روستاییان چاره‌ای جز مهاجرت به شهرها و کار در کارخانه‌ها و کارگاههای صنعتی و پرداختن به مشاغل سطح پایین شهری نداشتند. این مهاجران به دلیل نداشتن تمکن مالی به ناگزیر در مناطقی با زمین‌های ارزان قیمت مسکن گزیدند که بیشتر دور از مرکز و در حاشیه‌ی شهر قرار داشتند. از مشخصات آنها به‌طور عمده نامناسب بودن منازل مسکونی، ضعف خدمات عمومی و پایین بودن سطح بهداشت و رفاه مردم بود. در چنین وضعیتی ما با افرادی روبه‌رو هستیم که به دلیل جذب نشدن در بافت اجتماعی، روانی و فیزیکی شهر به افرادی جدا مانده از شهر و یا به عبارتی «حاشیه‌نشین» تبدیل شده‌اند.

در کشورهای جهان سوم با گسترش شهرنشینی و حرکت به سمت توسعه‌ی برون‌زا که البته متناسب با ساختار سنتی این جوامع نیست، حاشیه‌نشینی با شدت و شتاب بیشتری رشد و گسترش یافت و ضعف دولتها در ساماندهی فضایی به این مناطق و محله‌ها و رسیدگی نکردن به امور معیشتی افراد، این مکانها را به محلی مناسب برای افزایش هنجارشکنی و کجروی‌های اجتماعی تبدیل کرد. جدا شدن افراد از فرهنگ و زاد بوم خویش، نداشتن احساس تعلق به محیط فعلی، تنوع قومی و گاه نژادی، فقر و بیکاری گسترده، پایین بودن سطح سواد خانواده و وجود نابرابری‌های گسترده‌ی اجتماعی مناطق حاشیه‌ای شهرها را (و البته بیشتر در شهرهای بزرگ و صنعتی) به بافتی نامناسب و جدا از شهر تبدیل کرده که از نظر



مورد قبول مردم و گروههای اجتماعی - قرار می‌گیرند و مانع تحقق اهداف و تهدیدکنندهی ارزشها و کمال مطلوب آنها می‌شوند. مسائل اجتماعی به‌عنوان پدیده‌هایی نامطلوب فکر عموم مردم و نخبگان را به خود جلب می‌کنند و نوعی وفاق اجتماعی و آمادگی عمومی برای حل آنها به وجود می‌آید (عبداللهی، ۱۳۸۰، ص ۱۲).

مشکلات اجتماعی، پدیده‌هایی اجتماعی و عمومی‌ونه حاصل رفتار یک فرد یا تعداد محدودی از افراد جامعه، بلکه تاریخی (مولود یک فرایند



محیطی با بافت اصلی شهر متفاوت است و شهرنشینان، ساکنان این مناطق را وصله‌ای ناجور می‌دانند و آنان را در جمع خود نمی‌پذیرند. در این مناطق هنجارهای رسمی و غیررسمی به شدت ضعیف است و انسجام و مشارکت اجتماعی در سطح بسیار پایینی قرار دارد. به همین سبب این مکان بستری مناسب برای رشد بزهکاری و تجمع بزهکاران و کجروان اجتماعی شده است.

در پژوهش حاضر سعی ما بر این است که با تبیین علمی معضل حاشیه‌نشینی و مرور نظریه‌های موجود درباره‌ی چگونگی پدید آمدن انحرافات اجتماعی در این مناطق، به ارائه‌ی نتایج به‌دست آمده بپردازیم، در مطالعه‌ی موردی صورت گرفته در منطقه‌ی حاشیه‌نشین «محل‌ی عرب‌های ملک شهر اصفهان» سعی بر این بوده که به تبیین مسائل و مشکلات اجتماعی و تنوع و علت پدید آمدن انحرافات در این محل از دید ساکنان آن نیز بپردازیم.

روش تحقیق

پژوهش حاضر تحقیقی میدانی با استفاده از مصاحبه‌های عمیق، مصاحبه‌های معمولی و پرسشنامه است. در مصاحبه‌های عمیق با رئیس کلانتری منطقه، مسؤولان خانه‌ی بهداشت، معلمان و مدیر مدرسه‌ی ابتدایی محل، چند تن از مغازه‌داران و تعدادی از اهالی محل مصاحبه انجام گرفت.

در مصاحبه‌هایی که در قالب پرسشنامه‌ی از پیش طراحی شده صورت گرفت، حجم نمونه ۱۰۰ نفر از زنان و مردان بالاتر از ۱۵ سال تعیین شد (با توجه به اینکه تعداد کل جامعه‌ی آماری در دسترس نبود و در دل آمارهای جمعیتی ملک شهر قرار داشت).

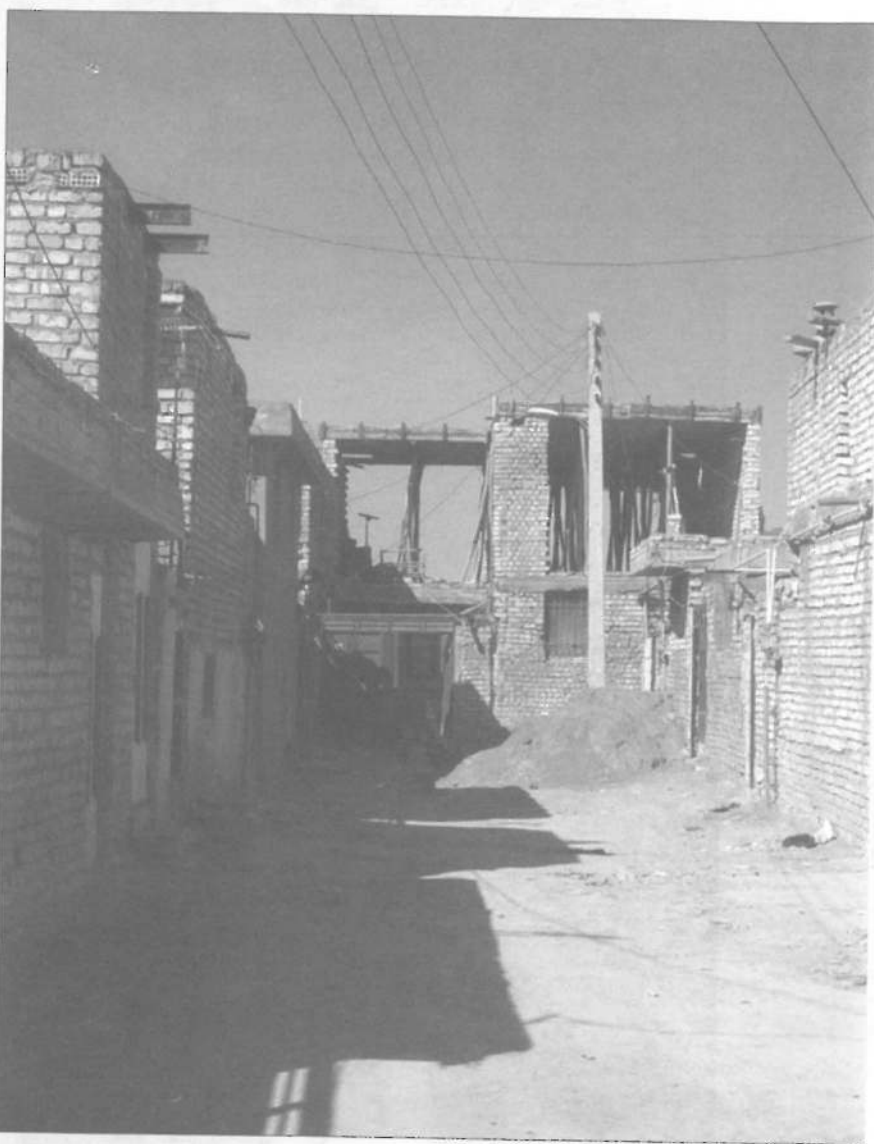
مفهوم مسأله‌ی اجتماعی

مسائل اجتماعی، پدیده‌هایی اجتماعی اعم از شرایط ساختاری و یا الگوهای کنشی هستند که در مسیر تحولات اجتماعی بر سر راه توسعه - یعنی حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب و

تاریخی خاص) و قابل تجربه و واقعی هستند. این مسائل در جوامع مختلف شکل‌های متفاوتی به خود می‌گیرند، اما به‌طور کلی به آرمانهای مردم مربوط‌اند. و با وجود چند بعدی بودن، قانونمند و قابل مطالعه هستند و می‌توان تا حدودی آنها را تحت تسلط درآورد.

مفهوم حاشیه‌نشینی و جداافت (گتو)

حاشیه‌نشینی را می‌توان با توجه به وضعیت افراد حاشیه‌نشین و سبک زندگی آنان تبیین کرد. افراد حاشیه‌نشین کسانی هستند که در محدوده‌ی اقتصادی شهر زندگی می‌کنند و جذب نظام



اجتماعی - اقتصادی شهر نشده‌اند؛ علت جذب نشدن آنان یکی مشکل مسکن (ناشی از درآمد پایین) و دیگری تفاوت رفتار آنان با رفتارهای متعارف شهر و نیز با افرادی است که با همان سطح درآمد در شهر زندگی می‌کنند (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹، ص ۷).

حاشیه‌نشینان بیشتر افراد مهاجر روستایی و عشایر و کمتر شهری هستند، این افراد به دلیل ناهمگونی با محیط شهری پس زده می‌شوند و به تدریج در کانونهایی به هم پیوسته یا جدا از یکدیگر، در قسمت‌هایی از حاشیه‌ی شهر سکنا می‌گزینند. این به حاشیه رانده شدن گویای وجود طبقه‌ای مسلط (ساکنان شهری) و طبقه‌ای فرودست (حاشیه‌نشینان) است که جدا از تفاوت در موقعیت جغرافیایی - مکانی شهری، یکی جنبه‌ی متن، اصل، هدایت‌کننده‌ی اقتصاد و جریانهای پولی و تجاری و دیگری نقش حاشیه‌ای و فرعی پیدا می‌کند (ربانی و افشارکهن، ۱۳۸۱، ص ۸۶).

گاهی این در حاشیه بودن به صورت اختیاری و با انتخاب خود مردم و گاهی به سبب سیاستگذاری‌های دولت به‌طور منطقه‌ای اخلاقی در خارج و یا حتی در داخل شهر به وجود می‌آید. در این حالت ما با جدابافتی سر و کار داریم که ساکنان آن با کشیدن دیوارهای روانی و نامرئی به دور خود از ورود دیگر افراد به این محدوده جلوگیری می‌کنند. هم اکنون بسیاری از ساکنان ابتدایی این جدابافت‌ها، محل سکونت خود را ترک کرده‌اند و جدابافت‌نشینی به شکلی از حاشیه‌نشینی تبدیل شده است (ربانی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۸-۱۴۷).

محل‌های عرب‌ها نیز روزگاری یک جدابافت بوده که در زمان نخست‌وزیری هویدا به وجود آمده، ولی بعدها بسیاری از ساکنان آن مهاجرت کرده و افرادی از قوم‌های مختلف به آنجا آمدند و به منطقه‌ای حاشیه‌نشین تبدیل شد.

حاشیه‌نشینی در ایران مولود توسعه‌ی برون‌زای کشور و محوریت یافتن شهر به‌عنوان

کانون تحولات صنعتی، توسعه‌ی اقتصادی و نوسازی کشور است. این فرایند از دوران حکومت رضاشاه پهلوی آغاز و روزبه‌روز گسترده‌تر شد. افزایش سطح رفاه جامعه‌ی شهری و تمرکز ارائه‌ی خدمات در شهر و به حاشیه رانده شدن روستاییان و عشایر سبب مهاجرت آنها به شهرها و روی آوردن به زندگی حاشیه‌نشینی شده است (پیران، ۱۳۸۰، ص ۳۱).

کجروی اجتماعی (انحراف اجتماعی)

کجروی اجتماعی به مفهوم رفتاری است که به تعبیری با انتظارات مشترک اعضای یک جامعه سازگاری ندارد و بیشتر افراد آن را ناپسند و نادرست می‌دانند (ستوده، ۱۳۸۰، ص ۱۲). هر جامعه براساس نقش‌هایی که برای افراد تعریف می‌کند، وظایف و انتظارات متناسب با آن را نیز مشخص می‌کند که این انتظارات و وظایف در قالب هنجارهای پذیرفته شده و مورد قبول عموم افراد جامعه قابل مشاهده است. افرادی که از این هنجارها و رفتارها پیروی می‌کنند، بهنجار و در غیر این صورت نابهنجار نامیده می‌شوند و اگر رفتار نابهنجار فردی زودگذر نباشد و دوام یابد

رفتار او را «انحراف اجتماعی» یا «کجروی اجتماعی» می‌نامند. جامعه متناسب با ارزشهای خود و میزان اهمیت این ارزشها، به کجروی‌ها پاسخ می‌دهد، از این رو ممکن است رفتاری در یک جامعه کجروی تلقی شود، ولی در جامعه‌ای دیگر این‌گونه نباشد. برای افراد جامعه، عمل شخص کجرو به دلیل ناهمخوانی با انتظارات آنها، ضربه‌ای سخت قلمداد می‌شود و آنان در مقابل سعی می‌کنند با نوعی نظارت اجتماعی رفتار او را محدود کرده، وی را منزوی سازند (مرتون، ۱۳۷۶، ص ۵۸-۵۷).

نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسی

درباره‌ی علل پدید آمدن کجروی

جامعه‌شناسان با داشتن نگاهی کارکردی، به جای اینکه به فرد توجه کنند، جامعه را مورد توجه قرار می‌دهند. آنان تعارض میان محیط اجتماعی و چگونگی برآوردن نیازهای انسانی و ناهماهنگی‌ها و تعارض‌های موجود در درون جامعه از قبیل تضاد و تعارض هنجارهای قدیم و جدید، تعارض بین فرد و فرهنگ مسلط جامعه و تعارض خرده‌فرهنگ و فرهنگ مسلط جامعه را عامل اساسی پدید آمدن انحراف‌های اجتماعی



آداب و رسوم و قواعد موجود در جامعه را برخلاف میل باطنی مو به مو اجرا می‌کنند، یا منزوی می‌شوند و یا در نهایت برخلاف سه مورد قبلی دست به طغیان و سرکشی می‌زنند.

می‌دانند. در مورد علل پدید آمدن انحراف‌های اجتماعی، نظریه‌های گوناگونی طرح شده که به مهمترین آنها می‌پردازیم.

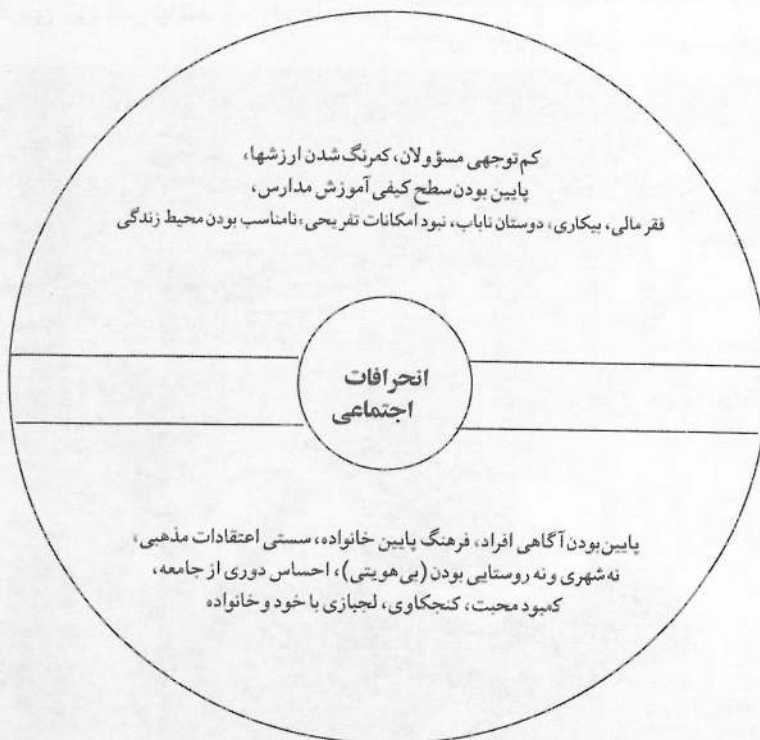
الف - نظریه‌ی فشار ساختاری: نظریه پردازان این حوزه، فشارهای اجتماعی را عامل اساسی روی آوردن به کجروی می‌دانند. از نظر دورکیم، وضعیت ناهنجاری (آنومی) که در آن هنجارها از دست می‌روند و یا در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند با از بین بردن قواعد مشترک زندگی و ایجاد وضعیت بی‌هویتی برای افراد، راه را برای روی آوردن به کجروی (و به ویژه خودکشی) هموار می‌سازد.

ب - نظریه‌ی انتقال فرهنگی: ادوین ساترلند بر این باور است که باید به چگونگی آموختن رفتار انحرافی در بین روابط اجتماعی توجه کرد. به عقیده‌ی وی فرد از طریق معاشرت و داشتن کنش متقابل با افراد ناباب و تداوم این رابطه و همچنین یادگیری شیوه‌های ارتکاب جرم و آموختن انگیزه‌ها و نگرشهای افراد منحرف، برای انجام رفتار انحرافی آماده می‌شود و داشتن زمینه‌ی مساعد خارجی مانند پیشینه‌ی خانوادگی نامناسب، وی را در این امر یاری می‌دهد.

ج - نظریه تضاد: این نظریه که تبیین خاصی از الگوی مارکسیستی است، بر این نکته تأکید دارد که در تضاد منافع بین طبقات فرادست و فرودست، طبقات مسلط و فرادست با اعمال قوانین سعی در محدود کردن طبقات ضعیف و

مرتون نیز در تضاد قرار گرفتن آن دسته از مقاصد فردی که مورد تأیید جامعه است با وضعیت فرد در جامعه و نداشتن دسترسی به وسایل مورد نیاز برای برآوردن اهداف را زمینه‌ساز بروز رفتار انحرافی می‌داند در این وضعیت افراد یا به نوآوری می‌پردازند و راهی انحرافی می‌یابند، یا دچار روزمرگی می‌شوند و

متغیرهای جامعه‌شناختی



متغیرهای روان‌شناختی

لیاقت و شایستگی حاصل از اشتغال و به خود متکی بودن، فرد را به سمت تفریحات کاذب و ناسالم و نیز کارهای غیرقانونی و غیرقابل قبول برای جامعه به منظور کسب درآمد سوق می‌دهد.

فرضیه‌های تحقیق

برای درک و شناخت بهتر موضوع که بررسی عوامل مؤثر در پدید آمدن انحرافات اجتماعی در محله‌ی عرب‌های ملک شهر است، ما به طرح سه سطح فرضیه می‌پردازیم.

سطح خرد فرضیه‌پردازی

در این قسمت ۱۶ متغیر شامل ۸ متغیر روان‌شناختی و ۸ متغیر جامعه‌شناختی به‌عنوان

پایین جامعه دارند و از آنجا که این طبقات نمی‌توانند نیازهای خود را برآورده سازند به ناگزیر از این قوانین سرپیچی می‌کنند و دست به عمل انحرافی می‌زنند.

د - نظریه‌ی برچسب: صاحبان این نظریه که بیشتر متأثر از مکتب شیکاگو هستند، بر این باورند که جامعه بر اساس اولویت‌ها و ارزشهای خود بر برخی از رفتارها برچسب انحراف می‌زند و کسانی که این رفتار را بروز می‌دهند، منحرف می‌داند و گرنه هیچ فردی به‌طور ذاتی منحرف نیست. به نظر آنها فردی که برچسب انحراف می‌خورد به مرور زمان وضعیت کج‌رو بودن خود را می‌پذیرد و خود را منطبق با این ذهنیت اجتماعی می‌سازد و خرده‌فرهنگی خاصی با افراد مشابه خود تشکیل می‌دهد. چنین افرادی با پدید آوردن یک شبکه‌ی انحرافی یکدیگر را در تشدید انحراف یاری داده و راههای جدیدی برای انجام رفتارهای کجروانه‌ی خود می‌یابند.

رابطه‌ی حاشیه‌نشینی و کجروی‌های اجتماعی

میان حاشیه‌نشینی و کجروی‌های اجتماعی رابطه‌ای متقابل وجود دارد. تفاوت فاحش طبقاتی و نابرابری‌های اجتماعی، تجملات و رفاه شهری، بالا بودن هزینه‌های جاری زندگی و کافی نبودن درآمد برای بهره‌مند شدن از کمترین امکانات زندگی، موجب روی آوردن افراد حاشیه‌نشین به کجروی و انحراف برای جبران کمبودها و یا رسیدن به مطلوب‌های مورد نظر خود بدون توجه به ارزشها و قوانین جامعه می‌شود.

از مهمترین علل پدید آمدن کجروی‌های اجتماعی، فقر و بیکاری افراد حاشیه‌نشین است. درآمد پایین، سوء تغذیه، مسکن نامناسب، احساس حقارت ناشی از داشتن زندگی فقیرانه و احساس محرومیت شدید را در پی دارد. خانواده‌های فقیر به علت سکونت در فضاهایی محدود و نامناسب و خوابیدن در اتاق مشترک، بالقوه مستعد گرفتار شدن در دام انحرافات هستند. بیکاری نیز با پیامد اوقات فراغت فراوان و بدون برنامه و نداشتن احساس



کلیاتی در باره‌ی محله‌ی عرب‌ها موقعیت محله‌ی عرب‌ها

محله‌ی عرب‌ها در قسمت شمال شرقی منطقه‌ی ملک‌شهر اصفهان واقع شده است. پیش از این، محله‌ی عرب‌ها زمین‌های کشاورزی و بایر بوده که با ساکن شدن تعدادی خانواده در سال ۱۲۵۲ به تدریج به یک منطقه‌ی مسکونی تبدیل شده و هم اکنون اطراف آن زمین‌های کشاورزی دربرگرفته و بین دو ناحیه‌ی عاشق‌آباد و بهرام‌آباد محصور است. نقشه‌ی زیرگویای موقعیت محل است.

پیشینه‌ی پدید آمدن محله‌ی عرب‌ها

در مصاحبه‌هایی که برای یافتن علت نامگذاری محله‌ی عرب‌ها با اهالی محل انجام شد، برخی از افراد دلیل این نامگذاری را تعلق زمین‌های این منطقه به فردی متمول به نام امیر عرب می‌دانستند که در پارس و جوی بیشتر، صحیح نبودن آن ثابت شد. دلیل این نامگذاری، استقرار یافتن ۵ خانوار عراقی رانده شده (معاود) در سال ۱۲۵۲ در این محل بوده است.

حاج عباس که یکی از نخستین ساکنان این محل است یادآور شد که وی به همراه حاج مهدی و فرد دیگری به تهران نزد هویدا رفتند تا درباره‌ی پیشنهاد دولت وقت مبنی بر واگذاری زمین‌های ۱۵۰ متری در منطقه‌ای به نام «صحرا شوروی عاشق‌آباد» که مکانی خالی از سکنه و بیشتر زمین‌های آن کشاورزی بود به مذاکره بپردازند. دولت با فروش این زمین‌ها به قیمت ۹ هزار تومان و دادن وام ۱۰ هزار تومانی متعهد شد که برق و یک جاده به این محل بکشد. ابتدای امر، ۵ خانوار در آنجا ساکن شدند و به مرور عرب‌های دیگر به آنها پیوستند. در آغاز آب مصرفی از طریق حفر چاه و به وسیله‌ی پمپ آب به داخل تانکری که روی سقف هر خانه بود، تهیه می‌شد و آب آشامیدنی نیز به وسیله‌ی موتورسیکلت از مسجد دروازه تهران به محل آورده می‌شد. به گفته‌ی حاج عباس اولین فرد غیرمعاود که برای سکونت به این محله آمد، شخصی به نام عبدالله از ترک‌های فریدن بود که

عوامل مؤثر بر پدید آمدن انحرافات اجتماعی مورد سنجش و آزمون قرار می‌گیرند.

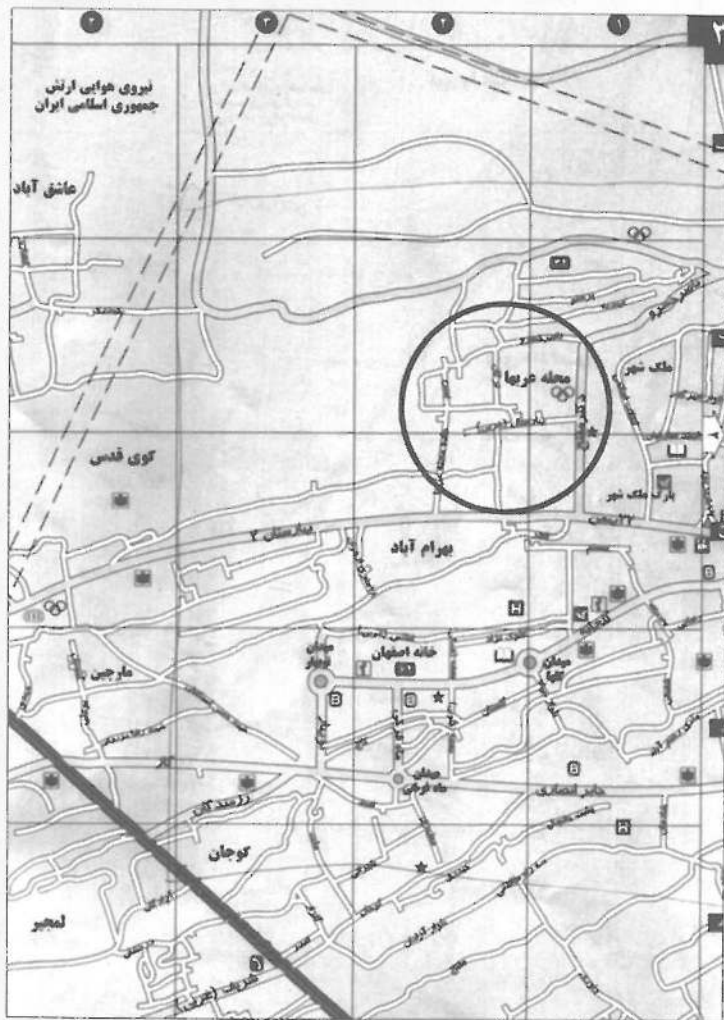
سطح میانی فرضیه‌پردازی

در این قسمت فرض ما بر این است که «شدت اثرگذاری دو متغیر فقر و بیکاری به‌طور معناداری از دیگر متغیرها بیشتر است»

سطح کلان فرضیه‌پردازی

در این قسمت فرض مطرح شده از این قرار است: «شدت اثرگذاری متغیرهای جامعه‌شناختی در پدید آوردن کجروی به‌طور معناداری از شدت اثرگذاری متغیرهای روان‌شناختی بیشتر است».

اکنون نوبت آن رسیده که به مطالعه در مورد محله‌ی عرب‌های ملک‌شهر اصفهان با محوریت رابطه‌ی حاشیه‌نشینی و انحرافات اجتماعی بپردازیم.



منازل) و هم از نظر اجتماعی (شلوغی منازل، کوچک بودن محیط منزل نسبت به تعداد افراد خانواده) و همچنین نبود سیاست شهری منسجم در قبال این جمعیت نابسامان باعث پدید آمدن انحرافات عدیده‌ی اجتماعی از قبیل روابط نامشروع، اعتیاد، قاچاق مواد مخدر، دزدی، مصرف مشروبات الکلی و درگیری‌های بی‌پایه و بی‌اساس شده است.

در قالب پرسشنامه از اهالی محله‌ی عرب‌ها خواسته شد که عمده‌ترین انحرافات موجود در محله را بازگو کنند، از ۱۰۰ نفر، ۹۶ نفر به پرسشنامه پاسخ گفتند که پس از طبقه‌بندی نتایج را می‌توان در جدول شماره ۱ مشاهده کرد.

در پی سکونت وی در محل، افراد زیادی از طایفه و همسایگان سابق او به آنجا آمدند و در آن محل سکنا گزیدند و به این شکل قیمت زمین‌ها افزایش یافت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز جنگ، روستاییان زیادی به امید یافتن کار در شهر به این مکان که زمین‌های ارزان‌قیمتی داشت آمدند و ساکنان ابتدایی محله که وضع مالی آنها بهبود یافته بود به محله‌های مرکزی شهر نقل مکان کردند. هم‌اکنون بیشتر ساکنان محله‌ی عرب‌ها را ترک‌های فریدن، لرهای الیگودرز، افغانی‌ها و اقوام دیگر تشکیل می‌دهند که همین تنوع قومی یکی از عوامل کشمکش در محله است.

اوضاع اجتماعی - اقتصادی محله‌ی عرب‌ها

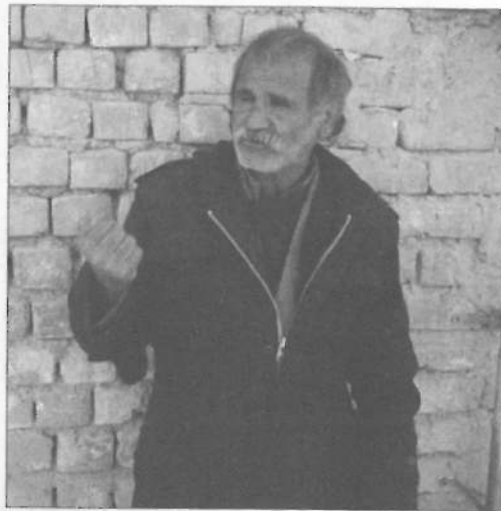
بیشتر ساکنان محله‌ی عرب‌ها افرادی هستند که به علل گوناگون از روستای خود مهاجرت کرده و برای اشتغال و داشتن زندگی بهتر به شهر روی آورده‌اند. این جداسدگی از فرهنگ اصلی و جذب نشدن در فرهنگ شهری، نوعی بی‌هویتی را به وجود آورده که نداشتن احساس تعلق به محل زندگی و به‌طور کلی شهر از نمودهای بارز آن است؛ برای همین ابزار نظارت رسمی و هنجارهای رسمی حاکم بر ساختار اجتماعی و ریخت‌شناختی (مورفولوژیک) شهر در آنجا رنگ می‌بازد و در آن منطقه‌ی خاص، کارایی لازم را ندارد. از سوی دیگر به سبب تنوع قومی و وجود اختلاف‌های شدید در زمینه‌های گوناگون فرهنگی، هنجارهای غیررسمی و ابزار نظارت غیررسمی نیز در گیرودار نبود وفاق، همبستگی و انسجام اجتماعی ناکارآمد شده و ما شاهد بروز کجروی‌های اجتماعی در سطحی وسیع از نظر کمی و کیفی هستیم.

از دیگر مشکلات اجتماعی محل، پایین بودن سطح سواد خانواده‌ها، فقر، بیکاری و پایین بودن شاخص بهداشت عمومی و اشتغال به کارهای سطح پایین است. نامناسب بودن محل سکونت هم از نظر فیزیکی (جنس مصالح و نوع و چگونگی ساخت



جدول ۱- درصد انحرافات موجود در محله

بیشترین انحرافات موجود	فراوانی	درصد
اعتیاد و مسأله‌ی پخش مواد مخدر	۹۱	۹۴/۷۹
اعمال خلاف اخلاق	۵۴	۵۶/۲۵
دزدی	۳۳	۳۴/۳۸
مصرف نوشیدنی‌های الکلی	۱۴	۱۴/۵۸
سایر موارد (ولگردی، قمار، درگیری و...)	۱۰	۱۰/۴۲



از نکات شایان توجه در این محل مشاهده‌ی خانه‌هایی بود که به‌صورت شبانه و جدا از دیگر خانه‌ها ساخته شده بودند. خانه‌ای را یافتیم که مساحتی حدود ۱۲ مترمربع داشت و از قرار دادن چند بلوک بر روی هم و استفاده از پلاستیک و پارچه به جای سقف، و بدون آب و برق ساخته شده بود که در مراجعه‌ی مجدد به محل، آن خانه تخریب شده بود. در نمونه‌ی صد نفری که با آنها مصاحبه شد، میانگین متراژ منزل ۹۶/۴۵ و میانه‌ی آن ۸۹/۷۶ متر به‌دست آمد که با توجه به تعداد خانوار با میانگین ۵/۸ نفر در هر خانه، به وضوح ناکافی بودن متراژ منزل قابل مشاهده است، به‌ویژه اینکه این افراد از فرهنگ شهری و چگونگی زندگی در فضای محدود و یا آپارتمانی بی‌اطلاع هستند. گفتنی است که تراکم زیاد جمعیت در خانه یکی از عوامل زمینه‌ساز پیدایش انحرافات اجتماعی است.

بیشتر لامپ‌های تیرهای چراغ برق در محله شکسته شده بود که رئیس کلانتری علت را تاریک کردن محل برای تسهیل انجام اعمال خلاف در شب برشمرد. هنگامی که برای انجام مطالعات مقدماتی پژوهش در زمستان ۱۳۸۱ به محل مراجعه کردیم، با خبر شدیم سه منزل که تبدیل به محل فساد شده بود به دستور شهرداری تخریب شده است. براساس تحقیقات انجام گرفته از نمونه‌ی صد نفری، میانگین درآمد افراد ۱۱۲ هزار تومان در ماه و میانه‌ی آن ۱۱۱/۵۲ هزار تومان به‌دست آمد که طبق تعریف و تعیین شاخص خط فقر در سال ۱۳۸۱ (۱۵۰ هزار تومان برای خانواده‌ی چهار نفری) بیش از ۸۵ درصد ساکنان منطقه زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

وضعیت ریخت‌شناختی محل در نقاط قدیمی، نسبتاً متعارف و در نقاط جدیدتر و تازه مسکونی شده تا حدودی ناموزون و نامتعارف بود و این امر در مورد خانه‌های کوچک بیشتر به چشم می‌خورد. آسفالت برخی از کوچه‌ها به‌ناگاه در جایی به پایان رسیده و ادامه‌ی آن راه خاکی بود که این امر را می‌توان نشان از

شرکت نکردن ساکنان این محل در امور اجتماعی و قطع رابطه‌ی روانی مسئولان با آنان باعث شده که برنامه‌های دولتی و نیز تلاش‌های شهرداری برای ساماندهی فضای محل به نتیجه‌ی مطلوب نرسد، چنانکه در انتخابات شورای شهر در زمستان ۱۳۸۱ به دلیل مشارکت محدود مردم در انتخابات، نامزدهای انتخاباتی حتی یک پوستر تبلیغاتی هم در محدوده‌ی محله‌ی عرب‌ها نصب نکردند. از مشاغلی که بیشتر مردان محل به آن می‌پردازند، کارگری ساختمان است، تعداد محدودی نیز به رفتگری مشغول‌اند و تعداد بسیار اندکی هم کارمند دولت هستند. نکته‌ی بسیار مهم بالا بودن آمار بیکاری در محل است که از مصاحبه‌های انجام شده به خوبی استنباط می‌شود.

ساخت و سازهای جدید و بی ضابطه دانست. هیچ مکانی برای انجام فعالیتهای ورزشی و تفریحی اهالی وجود ندارد و حتی زمین آسفالتی که شهرداری به تازگی برای ورزش جوانان احداث کرده چندان مورد استقبال واقع نمی شود.

با وجود جداسدن افراد از روستا هنوز خاطره‌ی خوش زندگی ساده، پاک، دور از دروغ و جنگ و دعوا در روستا (و یا شهرستان محل سکونت قبلی) در ذهن آنان بود و همین باعث می شد که با وجود جذابیت های شهر، از نظر فکری چندان پذیرشی در مقابل پدیده ها و افکار جدید و سودمند شهری نداشته باشند و مثلاً با پایبندی به برخی از تعالیم و سنت های قبلی در برابر توصیه های مرکز بهداشت از خود مقاومت نشان دهند و به آنها عمل نکنند. حضور مهاجران افغانی نیز در محل قابل توجه است که نسبت به ایرانیان، شهروند درجه ۲ به حساب می آیند. برخی از اهالی آنان را مسبب اصلی قاچاق مواد مخدر در محل می دانند که با بررسیهای بیشتر اگر چه فعالیت برخی از آنها تأیید شد، اما افراد دیگری که غیر افغانی هستند، نقش مؤثرتری در این حوزه ایفا می کنند.

محله‌ی عرب‌ها به دلیل ویژگیهایی که دارد محل امنی برای سکونت افراد خلافکار است، از این رو افراد خلافکار مناطق مجاور برای پوشش دادن به فعالیتهای خود و بهره‌مندی از حمایت هم‌ردیفان خویش به آن محله که تبدیل به یک منطقه‌ی اخلاقی با مرزهای مستحکم شده است، روی آورده و در آن مسکن گزیده‌اند.

آثار سوء تغذیه در چهره‌ی ساکنان محل و به ویژه کودکان به وضوح مشهود است و این امر را می توان از وزن پایین افراد، صف های طولانی نان و نحوه‌ی خرید کالا از مغازه ها نیز دریافت. لباس های کودکان کهنه و نامناسب است و بیشتر آنها با دمپایی در خیابان های محله ظاهر می شوند. در مصاحبه هایی که در قالب پرسشنامه با اهالی صورت گرفت از آنان

خواسته شد تا راهکارها و شیوه هایی را که برای بهبود اوضاع محل در نظر دارند، بازگو کنند. از ۱۰۰ نفر مصاحبه شونده ۹۴ نفر راهکارهایی را ارائه دادند که پس از طبقه بندی نتایج را می توان در جدول شماره ۲ مشاهده کرد:

جدول ۲ - راهکارهای ارائه شده‌ی مصاحبه‌شوندگان

درصد	فراوانی	شیوه‌های بهبود وضع موجود
۵۹/۵۸	۵۶	توجه بیشتر مسئولان
۳۰/۸۵	۲۹	اشتغال‌زایی
۱۱/۷	۱۱	مبارزه با خلافکاران
۱۰/۶۴	۱۰	افزایش حمایت‌های مالی دولت
۶/۳۸	۶	ایجاد امکانات تفریحی
۸/۵۱	۸	افزایش آگاهی خانواده‌ها
۸/۵۱	۸	سایر موارد
۱۳۶/۱۷	۱۲۸	

آزمون فرضیه‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

سطح خرد تحلیل

همان گونه که در مبحث فرضیه های تحقیق گفته شد، برای پی بردن به عوامل اصلی مؤثر بر پدید آمدن انحرافات اجتماعی در محله‌ی مورد بررسی، پس از انجام مصاحبه های کلی و مطالعات نظری، ۸ متغیر روان شناختی و ۸ متغیر جامعه شناختی مورد سنجش قرار گرفتند تا شدت تأثیر هر کدام سنجیده شده و تأثیر هر متغیر بر پدید آمدن انحرافات در این محله بررسی شود. با استفاده از طیف لیکرت و با تخصیص نمره‌ی ۵ برای بیشترین میزان اثرگذاری و نمره‌ی یک برای کمترین میزان آن در مصاحبه هایی که در قالب پرسشنامه با ۱۰۰ نفر صورت گرفت، برای متغیرهای شانزده گانه، نتایج جدول شماره ۳ حاصل شد.

جدول ۳ - میزان اثرگذاری متغیرهای شانزده گانه

ردیف	متغیر دخیل در پدید آمدن کجروی	شدت اثرگذاری	ضریب خی دو
۱	فقر مالی	۴/۷۴	۲۱۳/۲
۲	بیکاری	۴/۷۴	۲۲۱/۲
۳	دوستان ناباب	۴/۵۹	۱۶۳/۱
۴	کم توجهی مسؤولان	۴/۴۲	۱۲۰/۵
۵	کمبود محبت	۴/۳۶	۱۰۸/۴
۶	پایین بودن سطح آگاهی افراد	۴/۲۷	۹۲/۳
۷	نامناسب بودن محیط زندگی	۴/۰۸	۱۱۰/۸
۸	لجبازی با خود و خانواده	۴/۰۸	۶۶/۲
۹	نبود امکانات تفریحی - ورزشی	۴/۰۳	۶۰/۹
۱۰	کنجکاوی	۳/۹۶	۲۹/۱
۱۱	احساس دوری از جامعه	۳/۹۳	۶۳/۱
۱۲	پایین بودن سطح فرهنگ خانواده	۳/۸۱	۵۵/۷
۱۳	سستی ایمان و اعتقادات مذهبی	۳/۸۱	۴۰/۱
۱۴	کمرنگ شدن ارزشها	۳/۷۳	۷۴/۲
۱۵	بی هویتی	۳/۴۹	۲۷/۱
۱۶	پایین بودن سطح کیفی آموزش	۳/۴۳	۱۳/۹

به آموزش رسمی و ضعف تعلیم و تربیت در مدارس است که نمره ۳/۴۳ دریافت می کند.

سطح میانی تحلیل

بر اساس فرضیه های مطرح شده در سطح میانی فرضیه پردازی، دو متغیر فقر مالی و بیکاری به عنوان مهمترین عوامل به وجود آورنده ی کجروی در محله ی عرب ها مطرح شدند که بیشترین و شدیدترین میزان اثرگذاری را نسبت به دیگر متغیرها به خود اختصاص داده و نمره ی ۴/۷۴ (از ۵) کسب نموده اند این امر حالتی از وجود همبستگی شدید میان میزان فقر و بیکاری با پدید آمدن انحرافات است.

فقر مالی باعث شده که افراد نتوانند ساده ترین نیازهای انسانی یعنی خوراک، پوشاک و مسکن را در حد قابل قبولی تأمین کنند در حالی که دولت اعلام کرد خانوارهای ۴ نفره که در سال ۱۳۸۱ درآمد ماهیانه ای کمتر از ۱۵۰ هزار تومان دارند زیر خط فقر هستند، با در نظر گرفتن این موضوع حدود ۸۵ درصد خانوارهای محله ی عرب ها زیر خط فقر زندگی می کنند و به این نکته باید توجه کرد که حدود ۵۴ درصد خانوارها ۶ نفره یا بیشتر هستند و میانگین درآمدها نیز ۱۱۲ هزار تومان برای هر خانوار است. یعنی به طور متوسط به هر فرد ۱۹ هزار تومان تعلق می گیرد که با این مبلغ حتی نمی توان نیازهای ابتدایی زندگی را فراهم کرد.

فقر مالی تأثیر دیگری نیز بر زندگی افراد دارد و آن جذب نشدن در بافت اصلی شهر و رانده شدن به مناطقی است که زمین های ارزاقیمت و خانه هایی با کیفیت پایین و نامناسب دارد. بر اساس اطلاعات کسب شده، میانه ی مساحت منزل ۸۹/۷۶ متر است، یعنی نیمی از مردم در خانه هایی (و نه آپارتمان هایی) کمتر از ۹۰ متر زندگی می کنند که در این منازل کوچک، میانگین ۵/۸ نفر ساکن هستند، با توجه به موارد یاد شده یعنی بهره مند نبودن از امکانات ابتدایی، زندگی در خانه هایی با کیفیت بسیار پایین، شلوغ و پر سر و صدا همه و همه زمینه را برای پدید آمدن

با احتساب ضریب خی دو χ^2 سطح معناداری و احتمال صحت داده های به دست آمده برای متغیر پایین بودن سطح کیفی آموزش در مدارس در حد ۹۹ درصد و برای دیگر متغیرها ۹۹/۹ درصد است و میانگین کل نمرات به دست آمده برابر است با $۴/۰۹ = \text{میانگین}$

همان گونه که مشاهده می شود اولین سطح فرضیه پردازی مبتنی بر مؤثر بودن متغیرهای شانزده گانه در پدید آمدن انحرافات اجتماعی در حد بالایی مورد تأیید قرار می گیرد و بالاترین شدت تأثیر مربوط به متغیرهای فقر و بیکاری با نمره ی ۴/۷۴ و کمترین شدت تأثیرگذاری مربوط

به منظور بررسی و تأیید این فرض از داده‌ها و نتایج جدولهای شماره‌ی ۴ و ۵ استفاده کردیم.

جدول ۴ - میزان تأثیر متغیرهای روان‌شناختی

ردیف	متغیرهای روان‌شناختی کجروی	میزان تأثیر
۱	پایین بودن سطح آگاهی افراد	۴/۲۲
۲	فرهنگ پایین خانواده	۳/۸۱
۳	سستی ایمان و اعتقادات مذهبی	۳/۸۱
۴	بی‌هویتی	۳/۴۹
۵	احساس دوری از جامعه	۳/۹۴
۶	کمبود محبت	۴/۳۶
۷	کنجکاوی	۳/۹۶
۸	لجبازی با خود و خانواده	۴/۰۸
	مجموع	۳۱/۲۲
	میانگین	۳/۹۷

از مقایسه‌ی مجموع نمره‌های متغیرهای جامعه‌شناختی (۳۶/۷۶) با مجموع نمره‌های متغیرهای روان‌شناختی (۳۳/۷۶) در مقابل (۳۱/۷۲) و نیز میانگین آنها (۴/۲۲) در مقابل (۳/۹۷) در می‌یابیم که متغیرهای جامعه‌شناختی به‌طور معناداری از متغیرهای روان‌شناختی که ریشه در وضعیت روانی و روحی فرد و خانواده‌ی وی دارد، تأثیرگذارتر است و بنابراین فرض ما تأیید می‌شود.

همان‌گونه که می‌دانیم، عوامل اجتماعی با ایجاد هنجارهای مؤثر و قوی، نفوذ خود را حتی به داخل خانواده‌ها و زندگی فردی اشخاص گسترش می‌دهند و از آنجا که بسیاری از الگوهای فکری، شیوه‌های زندگی و محیط خانوادگی به شدت تحت تأثیر وضعیت فرد در نظام قشربندی اجتماعی است، از این رو می‌توان از ارزشهای خاص گروه‌های مختلف اجتماعی (مثلاً کارگران) یاد کرد. با توجه به جدولهای پیشین در می‌یابیم که متغیرهای جامعه‌شناختی و به‌ویژه متغیرهای فقر

انحرافات اجتماعی فراهم می‌کند. بیکاری نیز با کسب نمره‌ی ۴/۷۴ (به اندازه‌ی فقر) بالاترین شدت تأثیر بر شکل‌گیری انحرافات را به خود اختصاص می‌دهد. اگر به جدول شماره‌ی ۲ نگاه کنیم در می‌یابیم که پس از لزوم توجه بیشتر مسؤولان که به عنوان مهمترین راهکار برای بهبود وضع موجود از جانب اهالی مطرح شده، اشتغال‌زایی بزرگترین دغدغه‌ی اهالی محل است که باز در گرو توجه بیشتر مسؤولان امر است. این اظهار نشان از آمار بالای بیکاری در میان ساکنان این محله دارد.

بیکاری باعث می‌شود اوقات فراغت زیاد و بدون برنامه برای فرد به وجود آید، همچنین به علت برخوردار نبودن از درآمد ثابت، و امکانات رفاهی، عزت نفس وی به شدت کاهش می‌یابد و از این طریق راه برای گرایش افراد به کجروی و انحرافات هموار می‌شود. به همین دلیل بیشترین انحرافات که از سوی اهالی محل عنوان شده (جدول ۱) عبارت است از اعتیاد و پخش مواد مخدر، دزدی و... که ریشه در فقر و بیکاری دارد. این امر با نظریه‌های جامعه‌شناختی در این حوزه نیز همخوانی دارد. متغیرهای دیگر را می‌توان عوامل جانبی نسبت به دو متغیر قبلی دانست، چرا که از یک سو در صورت داشتن تمکن مالی و شغل مناسب، جذابیت گرایش به کارهای خلاف و انحرافات و نیز فشارهای محیطی و شرایط سخت زندگی به شدت کاهش می‌یابد و از سوی دیگر افراد می‌توانند با تهیه‌ی مسکن مناسب در مناطق سالم‌تر شهری، خود و فرزندان خود را از این‌گونه مسائل تا حد زیادی دورنگه دارند.

سطح کلانی تحلیل

در این بخش به دنبال سنجش و مقایسه‌ی میزان تأثیر متغیرهای جامعه‌شناختی و متغیرهای روان‌شناختی بر پدید آمدن انحرافات بودیم و فرض ما بر این بود که متغیرهای جامعه‌شناختی، تأثیر بیشتری بر پدید آمدن انحرافات دارند.

مالی و بیکاری نمره‌ی بالاتری را نسبت به متغیرهای روان‌شناختی به خود اختصاص می‌دهند و هنگامی‌که از افراد ساکن در محل خواسته می‌شود تا برای بهبود وضعیت موجود

راهکارهایی را ارائه دهند آنها بر توجه بیشتر مسؤولان، به اشتغال‌زایی، مبارزه با خلافکاران، ایجاد مکانهای تفریحی - ورزشی و مسائلی از این قبیل بیشتر تأکید دارند که ریشه در خارج از خانواده و فرد دارد.

در اینجا نظر جامعه‌شناسان تأیید می‌شود که «عامل اصلی و اساسی پدید آمدن کجروی‌های اجتماعی را در ساختار نامناسب و نامتعادل جامعه باید جست‌وجو کرد». از آنجا که هر فرد تصویر خود (Self) را از واکنش‌هایی که جامعه نسبت به رفتارها و نقش‌های او نشان می‌دهد، کسب می‌کند، به‌ناچار در صورت نداشتن وضعیت مناسب اجتماعی، نداشتن انسجام اجتماعی لازم و نبود احساس تعلق به جمع، فرد به سمت آسیب‌های اجتماعی سوق داده می‌شود و به‌راحتی برچسب انحراف خورده، پس از مدتی خود را منحرف می‌یابد. فرزندان خانواده‌های ساکن در محله‌ی عرب‌ها از کودکی در محله‌ای مشکل‌خیز بزرگ می‌شوند و تصور عمومی مبنی بر گرفتار شدن آنها در دام آسیب‌های اجتماعی و انتظار کجرو شدن آنان وجود دارد و با خوردن برچسب انحراف و غیرعادی بودن بر همه‌ی افراد محل از سوی ساکنان محلات مجاور؛ کنترل غیررسمی (و حتی رسمی) بر روی آنان کاهش می‌یابد و با وجود کمبودهای قبلی و احساس محرومیت و جداافتادگی از جامعه، به‌راحتی به سمت کجروی سوق داده می‌شوند.

نتیجه‌گیری

محله‌ی عرب‌ها به دلیل داشتن وضعیتی حاشیه‌ای نسبت به شهر اصفهان و ملک‌شهر، با مسائل و مشکلات عدیده‌ی اجتماعی روبه‌رو است. همان‌گونه که در مباحث گذشته اشاره شد، فقر شدید مالی، بیکاری، نبود امکانات تفریحی مناسب، جذب نشدن در اقتصاد و اجتماع شهری و جدا شدن از فرهنگ و خاستگاه خویش، باعث نوعی بی‌سازمانی اجتماعی در محل شده که حتی

جدول ۵ - میزان تأثیر متغیرهای جامعه‌شناختی

ردیف	متغیرهای جامعه‌شناختی	میزان تأثیر
۱	دوستان ناباب	۴/۵۹
۲	فقر مالی	۴/۷۴
۳	بیکاری	۴/۷۴
۴	نبود امکانات تفریحی - ورزشی	۴/۰۳
۵	نامناسب بودن محیط زندگی	۴/۰۸
۶	کم توجهی مسؤولان	۴/۴۲
۷	کمرنگ شدن ارزشها	۳/۷۳
۸	پایین بودن سطح کیفی آموزش در مدارس	۳/۴۳
	مجموع	۳۳/۷۶
	میانگین	۴/۲۲



مسئولان را بر آن داشته که صرفاً نقش نظارت‌کننده برای محل ایفا کنند و حضور مستقیم و نزدیک در محل نداشته باشند.

از مشکلات مهم اجتماعی آن محل، وجود فراوانی آمار انحراف‌های مختلف به‌ویژه اعتیاد، دزدی، استعمال نوشیدنی‌های الکلی است که همه نشان از ضعف بنیان خانواده و خلأ شخصیتی افراد محل دارد که عواملی مانند فقر و بیکاری بیشترین تأثیر را بر پدید آمدن این مشکلات داشته است. در ادامه، پیشنهادهایی برای کاهش مسائل و مشکلات محله‌ی عرب‌ها و دیگر مناطق حاشیه‌ای ارائه می‌شود:

- تعریف سبب ملی برای بهره‌مندی هر ایرانی از کمترین امکانات زندگی به‌منظور جلوگیری از گرایش به اعمال خلاف برای کسب پول و پاسخ به نیازهای اساسی زندگی که ارضا نشدن آنها باعث ایجاد شخصیتی ضداجتماعی در افراد می‌شود.
- ایجاد هسته‌های پژوهش اجتماعی که به‌صورت تخصصی بر روی مسائل حاشیه‌نشینی تحقیق کنند و با فعالیت در مراکز استان‌ها راهکارهایی به سازمانهای مسئول پیشنهاد کنند.
- ایجاد نوعی سیاست جامع شهری برای هر استان به‌گونه‌ای که پرداختن به مسائل حاشیه‌نشینان از اولویت‌های آن باشد.
- ساماندهی فضای شهرها در جهت کاهش نابرابری و جلوگیری از پیدایش احساس نداشتن تعلق به محل زندگی.
- ایجاد مراکز تفریحی و ورزشی که نوجوانان و جوانان را به سمت خود جذب کرده، نیروی جسمانی آنها را درگیر خود کند تا از یک‌سو انرژی اضافی آنها جایی مناسب صرف شود و از سوی دیگر توانایی آنها در تحمل فشارهای روحی و اجتماعی افزایش یابد.
- اجرای برنامه‌هایی در جهت هویت‌بخشی به محل و ساکنان آن و کاهش تنش‌های قومی و یکپارچه‌سازی فرهنگی؛ از جمله تشکیل تیم‌های ورزشی و برگزاری مسابقه‌هایی با تیم‌های محل‌های

مجاور، می‌تواند گامی مؤثر در این زمینه باشد.

- دادن بیمه‌ی بیکاری به افراد فاقد شغل تا با برآورده شدن نیازهای اساسی خانواده، پرداختن به اعمال خلاف با انگیزه‌ی مالی از بین برود.
- آموزش خانواده و ایجاد زمینه برای انجام فعالیت‌های فرهنگی و افزایش آگاهی آنها تا آنجا که با نگاهی واقع‌بین و باشیوه‌ی خویشتن‌داری، دیگر به سمت ارتکاب جرایم گرایش پیدا نکنند و آرزوهای بی‌حد و مرز خود را مهار کنند.
- ارائه‌ی تصویری درست از مذهب که کارکرد اجتماعی آن قوی باشد و ابزار نظارت غیررسمی را تقویت کند.

- روشمند شدن ساخت و سازها و نظارت بیشتر مسئولان.
- مبارزه‌ی قاطع و جدی با مظاهر فساد و تلاش برای پیشگیری از ارتکاب جرم.
- افزایش مزیت‌های زندگی در روستا برای جلوگیری از مهاجرت و گرایش به حاشیه‌نشینی.
- با سپاس از آقای مصطفی قنبرعلی و ند که در فراهم آمدن این پژوهش ما را یاری دادند.

منابع

- ۱- پیران، پرویز. تحلیل جامعه‌شناختی از مسکن شهری در ایران: اسکان غیررسمی، نامه‌ی انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره‌ی ۶، سال ۱۳۸۰.
- ۲- ربانی، رسول. جامعه‌شناسی شهری، انتشارات دانشگاه اصفهان و انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
- ۳- ربانی، رسول و جواد فشارکهن. «حاشیه‌نشینی - مشارکت و مسائل اجتماع شهری»، «فرهنگ اصفهان»، شماره‌ی ۲۳، بهار ۱۳۸۱.
- ۴- زاهد زاهدانی، سید سعید. حاشیه‌نشینی، چاپ اول انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۶۹.
- ۵- ستوده، هدایت‌الله. «آسیب‌شناسی اجتماعی» (جامعه‌شناسی انحرافات)، انتشارات آوای نور، تهران، ۱۳۸۰.
- ۶- عبداللهی، محمد. «طرح مسائل اجتماعی ایران، اهداف و ضرورت‌ها»، نامه‌ی انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره‌ی ۳، ۱۳۸۰.
- ۷- مرتون، رابرت، ک. «مشکلات اجتماعی و نظریه‌ی جامعه‌شناختی»، ترجمه‌ی نوین تولابی، مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶.